

دین در عصر ظهور

محمد جواد فاضل لنکرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دین در عصر ظهور

نویسنده:

آیت الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی (دام ظلّه)

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ دین در عصر ظهور
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۸ دعوت مردم به امر جدید
۹ اسلام جدید و انهدام آن چه که قبل از آن بوده است
۹ استقبال به عدل
۹ تعلیم قرآن طبق آن چه که خداوند نازل فرموده است
۹ عمل به کتاب خدا
۱۰ تکامل عقول بشری
۱۰ عمومیت و گستردگی دین در زمان آن حضرت
۱۲ پاورقی
۱۳ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

دین در عصر ظهور

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۴-۲۸۷۹۵

سرشناسه: فاضل لنکرانی محمدجواد

عنوان و نام پدیدآور: دین در عصر ظهور/ فاضل لنکرانی محمدجواد

منشأ مقاله: رسالت (۱۴ مهر ۱۳۸۴): ص ۱۷.

، (۲۱ مهر ۱۳۸۴): ص ۱۷.

، (۲۸ مهر ۱۳۸۴): ص ۱۷.

توصیفگر: دین توصیفگر: ظهور منجی توصیفگر: احادیث توصیفگر: قرآن

مقدمه

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون [توبه / ۳۳] از موضوعات مهمی که همیشه بشر در ارتباط با آن بوده و منشأ بسیاری از تحوّل‌ها قرار گرفته، موضوع دین و ابعاد آن است. این موضوع، از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است. آن چه در این مختصر به دنبال آن هستیم، بررسی دین و چگونگی آن در عصر ظهور حضرت حجت، عجل الله تعالی فرجه الشریف، است. یکی از پرسش‌هایی که همیشه در پیش روی متفکران است، این است که «آیا در زمان ظهور حضرت، احکام و قوانین جدیدی از سوی آن وجود شریف بیان خواهد شد؟ آیا به جهت حکومت جهانی حضرت، دین، باساز و برگی جدید و اصولی متناسب با آن زمان و قوانینی جدید جلوه می‌کند؟» آیا می‌توان گفت، اکنون احکامی به حسب واقع وجود دارد که مورد نظر خداوند تبارک و تعالی است و برای رشد و سعادت فرد و جامعه به آن‌ها نیاز است و لکن تا زمان ظهور، به جهت وجود موانعی، به مرحله فعلیت نرسیده است، اما با ظهور آن حضرت چنین احکامی از مرحله انشاء خارج شده و لباس فعلیت می‌پوشد یا این که چنین چیزی مطرح نیست بلکه آن چه که در زمان ظهور واقع می‌شود، تنها، تحوّل عظیم در مرحله اجرای احکام مقدّس اسلام و احیاناً توسعه‌ای در برخی از احکام محدود است؟ پاسخ به این پرسش مهم، نه تنها آگاهی انسان را نسبت به حقیقت دین در زمان ظهور روشن می‌سازد، بلکه نتایج مهم و چشم‌گیری نسبت به برخورد عالمان و متفکران با دین، در زمان قبل از ظهور دارد. در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: الف: از مجموع مطالبی که در این بحث به میان خواهد آمد، روشن می‌شود که در زمان ظهور حضرت حجت، عجل الله فرجه الشریف، آن چه محور حکومت آن حضرت است دین است، این مطلب، ما را به این نتیجه روشن رهنمون می‌سازد که، دین، نه تنها صلاحیت برای حکومت دارد، بلکه تنها حکومتی که می‌تواند جامعه بشری را از هر گونه ظلم و بی‌عدالتی و فساد و تباهی و یأس و ناامیدی نجات دهد، حکومت دینی است. هرگز نباید تصوّر کرد که در زمان ظهور، حکومت، به دست یک نیروی خارج از دین اجرا خواهد شد، بلکه دین با همه احکام و قوانین تضمین‌کننده سعادت بشریت در ختم عالم خواهد بود. البته نمی‌توان منکر این مطلب گردید که با حضور مستقیم معصوم (ع) ضمانت اجرایی دین افزایش خواهد یافت و چه بسا تفاوت بسیاری با غیر آن دارد. امّا این بدان معنا نیست که معصوم (ع) به دین و قوانین آن قابلیت اجرا را اعطا می‌کند. نتیجه واضح و روشن این مطلب، آن است، که کسانی که در عصر حاضر، منکر عنصری به نام حکومت برای دین هستند و دین را محدود به امور شخصی و فردی می‌دانند یا باید حکومت جهانی حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه الشریف، را منکر شوند و یا اینکه معتقد شوند که در آن زمان، غیر از دین، امر دیگری در حکومت دخالت خواهد داشت. طبیعی است که روشنفکر متدین،

به هیچ کدام یک از این‌ها نمی‌تواند ملتزم شود به عبارت دیگر، اگر دین، صلاحیت برای حکومت نداشته باشد، در هیچ زمانی حتی در زمان ظهور نیز صلاحیت حکومت ندارد و اگر دین با قابلیت ذاتی خود و ویژگی‌های خاص خود، بتواند حکومت کند در هر زمانی، حتی در غیر عصر ظهور نیز - هر چند به صورت محدود - می‌تواند حکومت کند. ب: ظهور حضرت حجت ارواحنا فدا، کشف از ظهور یک واقعیت و یک حق واحد دارد. آن چه مقصود اصلی خداوند تبارک و تعالی برای بشریت بوده. و هست، حتماً یکی است و نمی‌توان ملتزم به کثرت حق و تکثر واقع شد. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» [۱] به عبارت دیگر کسانی که معتقد به تکثر گرایی در دین هستند، نمی‌توانند حکومت آخرالزمان را از نظر اعتقادی بپذیرند؛ چرا که آن حکومت، بر یک پایه و اساس استوار خواهد بود و آن، اسلام واقعی و حقیقی است و بقیه ادیان و مذاهب، در آن حکومت صحیح، نقش نخواهند داشت. با تتبع ناقصی که صورت گرفت، متأسفانه تاکنون محققان به این موضوع پرداخته‌اند و این موضوع از عناوینی است که به صورت عمیق و دقیق، ابعاد آن روشن نگشته و واضح است که در این نوشتار نیز نمی‌توانیم به صورت جامع به آن پردازیم، اما خواهیم کوشید تا برخی از نکات و نقاط مبهم آن را اجمالاً روشن کنیم ان شاء الله. برای پاسخ به پرسش‌هایی که در آغاز این نوشتار آمد، مطالبی را باید یادآور شویم. یکم: با مرور زمان و تکامل علم و پیشرفت صنعت و فن آوری، نیاز بشر به دین کم نمی‌شود، بلکه این نیاز، به موازات تکامل علم و دانش، هر روز افزون‌تر می‌گردد. این چنین نیست که بپنداریم عقل بشری، به تنهایی بتواند همه احتیاجات بشر، حتی نیازهای مادی او را برطرف کند. برای اثبات این مطلب، می‌توان دلایل متعددی را اقامه کرد، یکی از آن‌ها همین رشد عقلی بشر است. وقتی انسان دارای رشد عقلانی شد، ناخواسته، توجه او به یک امور جدیدی معطوف می‌گردد که برای حل آن امور، هیچ راهی جز دین و پاسخگویی دینی نیست. هر مقدار دامنه فکر و تعقل توسعه پیدا کند، دامنه شبهات و پرسش‌ها، بیشتر می‌گردد و در این‌ها، نه خود عقل قادر به پاسخگویی است و نه علم توان برخورد با آن را دارد. بررسی تاریخی، ما را به این امر رهنمون می‌سازد که در قدیم، پرسش‌های کلامی، به مراتب از شبهات امروزه، کم‌تر و ضعیف‌تر بوده است. هر چه بشر، پیشرفت می‌کند سؤالات کلامی و اعتقادی او بیش‌تر می‌شود. از اموری که در توسعه علوم دخالت دارد، خصوصاً در علوم انسانی، توسعه تفکر و اندیشه و تعقل انسان است. بنابراین یک ملازمه عادی و روشن بین رشد عقلانی و به وجود آمدن ابهامات و اشکالات وسیع و اساسی وجود دارد. به عبارت دیگر، هر مقدار که تعقل بشری، بسیط باشد، احتیاجات و نیازهای او هم بسیط خواهد بود و هر مقدار تعقل و تفکر بشری، توسعه و دامنه پیدا کند، احتیاجات او نیز بیش‌تر خواهد شد. و از طرفی روشن است که خود عقل، در رفع و حل این احتیاجات، به تنهایی قادر نیست و آن‌چه که می‌تواند مشکلات و احتیاجات را برطرف سازد، باید نیرویی مافوق عقل و وسیع‌تر از آن باشد. آن نیرو، جز دین نمی‌تواند باشد. بررسی اجمالی تاریخ ادیان نشان می‌دهد که در هر زمانی، دین، متناسب با رشد و آگاهی مردم آن زمان، وجود داشته است و از طرفی در هیچ دوره متأخری، دین، به صورت ضعیف‌تر و یا ناقص‌تر از دوره قبلی نبوده است. تکامل بشری در هر دوره تاریخ، همراه با تکامل ادیان بوده است، به طوری که به اعتقاد ما، آخرین دین و کامل‌ترین دین، یعنی اسلام، برای مرحله‌ای از تاریخ بشری آمده که رشد بشر به مرحله عالی خود رسیده است. از آن‌جا که دین، ترسیم‌کننده سیر تکاملی بشر است و هدف و غایت را در همه ادوار به بشر نشان داده است و در هر زمانی، بشر دارای افکار متناسب با آن دوره را به هدف اصلی رهنمون ساخته است و نیز، دین تنظیم‌کننده جمیع رفتار فردی و اجتماعی و حکومتی است، روشن می‌شود که بشر، بدون دین، هرگز نمی‌تواند برنامه‌ای را، حتی در زندگی فردی بدون کمک دین، سامان دهد. فرد و جامعه، نمی‌توانند با نیروی عقلی که از درک بسیاری از حقایق عاجز است و توانایی درک بسیاری از ملاکات را ندارد، برنامه‌ای را برای خود ترسیم و ارتباطات خویش را بر اساس آن تنظیم کند. همان دلیلی که اصل احتیاج بشر به دین را اثبات می‌کند، می‌تواند این مطلب را نیز روشن کند که با افزونی احتیاجات بشر و با رشد تکاملی او، نیاز او به دین بیش‌تر می‌گردد. دوم: دین و مفاهیم اساسی آن، متأسفانه، از سوی برخی از روشنفکران، دست خوش تعبیر انسانی گردیده است. کسانی که مفاهیم عالی در ادبیات دین، مانند «خاتمیت» را

به معنای «سرآمدن دوران کودکی بشر» قرار داده‌اند و «بشر را قافله سالار خود در همه ابعاد هدایت و سعادت می‌دانند»، نمی‌توانند از حضور دین در هیچ عصری بعد از بعثت سخن به میان آورند بنابراین، مقصود ما از مفهوم دین، آن گوهر اصلی و قدسی است که از یک منبع غیبی در اختیار بشر قرار داده و در هر زمانی باید حافظی امین و معصوم داشته باشد و بدون هر گونه زنگ و زنگار باشد. سوم: در جای خود ثابت و روشن است که عقل، قدرت و احاطه بر ملاکات جمیع افعال و امور را ندارد و تشخیص او در حد بسیار محدودی است. این امر، با توجه به این نکته روشن تر می‌گردد که اساساً، شناخت هیچ حقیقت و واقعیتی به آن نحو که شاید و باید است، برای عقل میسر نیست تا جایی که منطقیان نسبت به فصل اشیا - که حقیقت هر نوعی را تشکیل می‌دهد - فصل مشهوری را ذکر کرده‌اند که از آثار و لوازم فصل حقیقی است و لذا در برخی از موارد، به جای یک فصل، دو فصل برای یک نوع ذکر کرده‌اند، در حالی که اشیا، بیش از یک فصل حقیقی ندارند. از این رهگذر، ما به خوبی می‌توانیم بگوییم عقل، تنها، قدرت درک برخی از خواص و آثار افعال و اشیا را دارد، آن هم به صورت محدود و ضعیف از این رو، بشر، نمی‌تواند تنها به عقل خود تکیه کند، بلکه او باید به سمت چیزی برود که تمام ملاک‌ها را درک کند و مطابق آن‌ها، انسان‌ها را هدایت کند. چهارم: برای دین، دو مرحله وجود دارد: یکی، مرحله بیان و تبلیغ و دیگری، مرحله اجرا است ما معتقدیم که اکمال و اتمام دین از نظر بیان و تبلیغ با بعثت مقدس پیامبر (ص) شکل گرفت و مرحله اجرای کامل، با ظهور حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - انجام خواهد گرفت. به عبارت دیگر از یک طرف می‌دانیم که اگر دین کامل، اجرای کاملی را در پیش نداشته باشد، چه بسا بیان برخی از قوانین و احکام آنکه در هیچ زمانی به مرحله اجراء نرسد، لغو باشد. بنابراین، لازم است برای دین کامل، مرحله اجرای کامل نیز باشد در زمان بعثت پیامبر (ص) شرایط برای اجرای کامل آن هم به نحو جهانی و برای جمیع بشریت مهیا بوده است و از طرف دیگر آگاهییم که، پس باید زمانی برسد که دین، در سطح جهانی، اجرا شود و این، جز با ظهور حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - میسر نمی‌شود. در پرتو این مطالب، به راحتی می‌توان مقصود از روایاتی که می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ فِي رَأْسِ كُلِّ مِائَةِ سَنَةٍ مَنْ يَجِدُّ لَهَا دِينًا» [۲] را دریافت. معنای این مطلب، آن است که بشر، در اثر نیاز به دین و ارتباط وثیق و محکمی که با آن دارد، ممکن است دینداری او به زیاده و نقصانی آمیخته شود و چون بشر، صاحب دین نیست و آشنایی کامل با دین ندارد لازم است مجدّدی قیام کند و دین را از افکار بشری غیر صحیح غبارروبی کند. پس از بیان این مطالب، اکنون لازم است به بررسی روایاتی که در مورد چگونگی دین در زمان ظهور وارد شده، پردازیم و از تعبیراتی که در آن‌ها به کار رفته است، نما و چهره‌ای از دین را در آن زمان ترسیم کنیم. روایات از نظر تعبیر، متعدد است. برخی از روایت‌ها می‌گویند:

دعوت مردم به امر جدید

«إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛ [۳]. «هنگامی که قائم ما قیام کند، مردم را به امر جدیدی دعوت می‌کند، همان‌گونه که پیامبر مردم را به اصل دین اسلام دعوت کرد. و اسلام، شروع آن، با غربت و در آخر نیز گرفتار غربت خواهد شد و خوشا به حال غریبان!» آن‌چه از این روایت استفاده می‌شود، آن است که حضرت، مردم را به یک امر جدیدی فرا می‌خواند. باید دید مراد از این امر جدید چیست؟ آیا با قیام حضرت، قوانین و مقررات و در یک کلمه، دینی جدید آورده خواهد شد یا این که دینی جدید در کار نیست، بلکه احیای همان قوانین پیامبر ۹ و همان دستورهایی است که در قرآن و سنت رسول آمده؟ از این بیان که، اسلام، در آخر نیز گرفتار غربت می‌شود، به خوبی می‌توان استفاده کرد که همان قوانین گذشته که دچار فراموشی یا تحریف شده است با قیام آن حضرت، احیاء خواهد شد. به طوری که دعوت آن حضرت به احکام و قوانین صحیح دینی، در نظر مردم، جدید و تازه جلوه می‌کند؛ یعنی خود احکام جدید نیست بلکه در نظر مردم جدید خواهد بود.

اسلام جدید و انهدام آن چه که قبل از آن بوده است

«یهدم ما قبله کما صنع رسول الله و یستأنف الإسلام جدیداً»؛ [۴]. «گذشته را ویران می‌سازد همانطوری که پیامبر چنین نمود و اسلام را از نو آغاز می‌کند». در این دسته از روایات، دو نکته وجود دارد: یکی آنکه با قیام آن حضرت، آن چه که قبل از او بوده است، منهدم می‌شود؛ یعنی، بدعت‌ها و تحریف‌هایی که واقع شده است، به طور کلی از بین خواهد رفت. دیگر آنکه اسلام، به صورت جدید ظهور خواهد کرد. باید دید کلمه «جدیداً» آیا وصف «اسلام» است یا این که وصف «استیناف» است؟ [۵] ظاهر این تعبیر، آن نیست که یک اسلام جدید با مقرراتی جدید که تاکنون در قرآن و سنت پیامبر (ص) ذکر نشده است، آورده می‌شود، بلکه شروع اسلام، به صورت مجدد خواهد بود. به تعبیر دیگر، اسلام، تولدی دیگر خواهد یافت و از نو به میدان عمل خواهد آمد و قوانین روشن و بسیار محکم و استوار آنکه به بوته فراموشی سپرده شده و یا گرفتار تحریف‌ها و تحلیل‌های غلط گردیده بود و یا موانعی در اجرای کامل آن‌ها بوده است، با ظهور آن حضرت به میدان عمل خواهد آمد و همه آن‌ها اجرا خواهد گشت.

استقبال به عدل

قلت: «و ما کانت سیره رسول الله؟» قال: «أبطل ما کان فی الجاهلیة و استقبل الناس بالعدل و كذلك القائم (ع) إذا قام یبطل ما کان فی الهدنة مما کان فی أیدی الناس و یستقبل بهم العدل.»؛ [۶]. «همان طوری که پیامبر اکرم (ص) بعد از بعثت؛ مردم را به سوی قسط و عدل فرا خواند و همه بی‌عدالتی‌های جاهلیت را از بین برد، حضرت قائم (ع) نیز به همین سیره عمل می‌کند و آن چه را که در زمان گذشته در دست مردم بوده است، از بین می‌برد و عدل را برای آنان به ارمغان می‌آورد». نکته حائز اهمیت آن است که پیامبر اکرم (ص) با آنکه پیامبر همه عالمیان بود و همه، مورد خطاب او بودند، اما در محدوده جزیره العرب، فریاد عدالت خواهی را سر داد و در تمام دنیا موفق به اجرای اسلام نشد، ولی خاتم اوصیای او، فریاد عدالت را در سراسر گیتی گسترش خواهد داد و منطقه‌ای نخواهد ماند که دعوت آن حضرت به عدل و قسط به آن‌جا نرسد.

تعلیم قرآن طبق آن چه که خداوند نازل فرموده است

«إذا قام قائم آل محمد (ص) ضرب فساطیط لمن یعلم الناس القرآن علی ما أنزل الله جل جلاله؛» [۷]. «در زمانی که قائم آل محمد (ع) قیام کند خیمه‌هایی بر پا کرده تا به مردم قرآن را آنگونه که خدای پاک ساحت نازل فرموده تعلیم کند». یکی از ویژگی‌های حکومت حضرت، تعلیم قرآن است طبق آن چه که مقصود خداوند از آیات شریف است. می‌توان گفت، یکی از اسبابی که جامعه مسلمانان و محافل علمی آنان را دچار رکود و توقف کرده است، اعتنا نکردن به قرآن است، علاوه بر آنکه نسبت به برخی از آیات شریفه، توان فهم کامل و مراد اصلی آن را ندارند این، یکی از آثار محرومیت از حضور آن حضرت است. در زمان ما، مشاهده می‌شود، صاحبان افکار و اندیشه‌های متضارب، به برخی از آیات شریفه استدلال می‌کنند. از برکات ظهور، آن حضرت تعلیم قرآن طبق مقصود اصلی خداوند است. نکته قابل توجه، آن است که نباید توهم شود که ظاهر این روایات، با حجیت قرآن در زمان ما، یعنی قبل از ظهور، منافات دارد. قطعاً، قرآن برای تمام اعصار و تمام مردم حجیت دارد و در هر زمانی باید به آن عمل شود، لکن آن چه از این گونه روایات استفاده می‌شود، آن است که در زمان ظهور، تمام جزئیات و خصوصیات آیات از سوی آن حضرت برای مردم روشن می‌شود، و تعلیم قرآن، به نحو جامع و کامل، در آن زمان خواهد بود.

عمل به کتاب خدا

«إِنَّ الدُّنْيَا لَآ تَذْهَبُ حَتَّىٰ يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بَكْتَابِ اللَّهِ لَا يَرَىٰ فِيكُمْ مَنكِرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ»؛ [۸]. «دنیا پایان نمی‌یابد تا خدای والا و شکوه‌مند مردی از ما اهل بیت را برانگیزد و به کتاب خدا عمل کند، زشتی در شما نبیند مگر اینکه از آن نهی کند». از خصوصیات دیگر در زمان ظهور، عمل به کتاب خدا است. قرآن، بعد از آنکه در طی زمان‌های متمادی و قرون متوالی، مهجور واقع شده است و به دستورها و احکام آن عمل نمی‌گردیده با ظهور آن حضرت، غبار بی‌اعتنایی از این کتاب شریف زدوده خواهد شد و معیار عمل تمام انسان‌ها خواهد بود. البته، روشن است که مقصود از عمل به قرآن، عمل به همه احکام و قوانین آن در جمیع ابعاد است و این منافات ندارد که قبل از ظهور آن حضرت، اجمالاً به قرآن عمل شود. نکته قابل دقت، آن است که از چنین تعبیراتی استفاده می‌کنیم که تنها فردی که قادر بر فهم کتاب خدا و عمل دقیق به آن است، معصوم (ع) است و باید مردی از اهل بیت پیامبر (ص) حکومت را در اختیار گیرد و به نحو کامل به قرآن عمل کند و از این جهت است که حکومت‌های قبل از آن حضرت، هرگز نمی‌توانند به کتاب خدا، به نحو کامل عمل کنند و حکومتی که قبل از آن حضرت تشکیل شود، و چنین ادعایی را بکنند مردود است. البته روشن است که این مطلب مانع از لزوم تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور آن حضرت نیست.

تکامل عقول بشری

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَىٰ رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَيَجْمَعُ بَهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ» [۹]. «وقتی که قائم ما قیام کند خدا دستش را بر سر بندگان می‌گذارد تا عقل هایشان را جامع (و در بردارنده همه چیز) گرداند و افکار (و آرزوها) شان جامه کمال پوشد». با قیام قائم آل محمد (ص) عقول بشری به عنایت خاص خداوند، کامل گردیده و این امر، زمینه پذیرش دین و عمل به قوانین آن را فراهم می‌سازد. همان طوری که ذکر کردیم، به نظر ما، هر چه علم و عقل بشری تکامل پیدا کند، نیاز بشر به دین، از یک طرف، و نیز پذیرش و تسلیم او نسبت به قوانین و احکام دین، از طرف دیگر، بیش‌تر می‌شود و میان این دو امر، ملازمه روشنی وجود دارد. هر چه جامعه، از حیث علم و عقل، در سطح بالاتری قرار گیرد، حضور قوانین سازنده و بسیار متعالی در آن، امکان بیش‌تری خواهد داشت و هر چه جامعه از جهت دانایی و ادراک، در مرحله پایینی باشد، روشن است که نمی‌توان همه قوانین حیات بخش دین را به آن عرضه کرد. همین مطلب، یکی از اسباب مهم تدریجی بودن بعثت انبیاء سلف است از این تعبیر استفاده می‌کنیم که ظهور آن حضرت، زمینه‌ساز عنایت خاص و بزرگ خداوند به همه افراد بشر است و جامعه بشری از نظر رشد عقلی و درک حقایق، به درجه بالایی خواهد رسید که سنخیت با حکومت جهانی و عدالت گستر آن حضرت در همه ابعاد پیدا می‌کند. یعنی، همین جهت که بشریت صلاحیت و ظرفیت درک معارف والای دینی را داشته باشد، از عنایات خاص خداوند است.

عمومیت و گستردگی دین در زمان آن حضرت

«وَلَاتَبَقِي فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ عَبْدٌ فِيهَا غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عَبْدَ اللَّهِ فِيهَا وَ يَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» [۱۰]. «قطعه زمینی در زمین که غیر خدای والا و شکوه‌مند در آن پرستش شده نیست مگر اینکه خدا در آن پرستش شود و دین برای خدا باشد هر چند برای مشرکان ناخوشایند باشد». از امور بسیار مهم و قابل توجه، آن است که با ظهور آن حضرت، دین اسلام، همه عالم را فرا خواهد گرفت و بر طبق برخی از روایات، با ظهور حضرت قائم (ع)، مکانی باقی نمی‌ماند، مگر آنکه در آن مکان، شهادت به توحید و به رسالت پیامبر ۹ داده خواهد شد. در رابطه با این تعبیر باید نکاتی مورد توجه قرار گیرند نکته یکم: آیا در زمان ظهور حضرت، اسلام، برای همه مردم اجباری خواهد شد و هیچ انسانی نمی‌تواند دارای مذهب دیگری باشد یا اینکه در آن زمان، از نظر گزینش دین، و اختیار مذهب، همه مردم آزاد هستند و هر کسی می‌تواند به میل و اختیار خود مذهبی را اختیار کند؟ در این رابطه، روایات مختلفی

وجود دارد که لازم است در محلّ خود، به طور گسترده، از نظر سند و دلالت به آن‌ها پرداخته شود، لکن به صورت اجمال، از برخی روایات استفاده می‌شود که کسی که در زمان آن حضرت اسلام نیاورد، مجازات خواهد شد و در برخی دیگر از روایات آمده است: «لم یبق أهل دین حتی یظهروا الاسلام و یعترفوا بالایمان.»؛ [۱۱] «اهل هیچ دین و مذهبی بر مسلک و عقیده خود باقی نخواهند ماند، مگر اینکه اعتراف به ایمان کند و اسلام خود را اظهار سازند.» در همین زمینه، روایتی از حضرت امیرالمؤمنین (ع) در ذیل آیه شریف «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» [۱۲] وارد شده است که حضرت از مردم سؤال فرمودند: أظهر ذلک بعد کلاً والذی نفسی بیده! حتی لا یبقی قریه إلا و نودی فیها بشهادة أن لا إله إلا الله و ان محمداً رسول الله بکره و عشياً [۱۳]. حضرت خطاب به مردم فرمود: «آیا در این زمان، خداوند، دین را برای همه مردم و جهانیان اظهار فرموده است؟» و خود ایشان پاسخ فرمود: «هرگز؛ قسم به آنکه جان من در دست او است (تحقق عینی این آیه شریفه، در زمان قیام قائم ما است) تا هیچ قریه‌ای باقی نماند مگر آنکه شهادت بر توحید، و نبوت صبح و شب، در آن سر داده شود.» از اصل آیه شریفه استفاده می‌شود که مسأله خاتمیت پیامبر (ص) با خاتمیت وصایت گره خورده است، یعنی، با امامت ائمه معصوم: و در نهایت، با ظهور آخرین وصی، خاتمیت پیامبر (ص) به بروز نهایی خواهد رسید. از این رو، بطلان این نظر که از سوی برخی از روشنفکران ابراز می‌شود که «خاتمیت پیامبر، به این معنا است که بعد از وی، بشر، با عقل خود می‌تواند راه خود را طی کند و دیگر نیازی به غیر ندارد» روشن می‌شود. از این آیه شریف، به خوبی استفاده می‌شود که خاتمیت پیامبر به خاتمیت وصی نیاز دارد و اگر خاتم الأولیاء نباشد، دین، به معنای کامل و نهایی خود نمی‌تواند بر همه مردم و عقول عرضه شود. از این رو، در برخی از روایات از پیامبر اکرم (ص) رسیده است که حضرت فرموده‌اند: «مهدی این امت از ما است و خداوند، در آخرالزمان دین را به دست او بر پا می‌دارد همان طوری که من در اول الزمان دین را بر پا داشتم.» [۱۴]. با قطع نظر از این نکته، از آیه شریف، به ضمیمه روایاتی که در ذیل آن وارد شده است، استفاده می‌شود که دین اسلام، با ظهور آن حضرت جهانی خواهد شد از طرف دیگر، طبق برخی از روایات، پیروان مذاهب مختلف، مانند یهودیت و مسیحیت، در زمان حکومت آن حضرت، جزیه پرداخت می‌کنند. [۱۵] بنابراین باید دید جمع میان این دو دسته از روایات چگونه است؟ در این زمینه، راه‌های متعددی برای جمع می‌توانیم بیان کنیم: راه یکم - بگوییم دسته یکم دلالت بر غلبه دین اسلام بر سایر ادیان دارد. به این معنا که در آن زمان، دین غالب مردم روی زمین، دین اسلام خواهد بود و در همه نقاط و مناطق و اماکن، شهادت بر توحید و رسالت حضرت ختمی مرتبت خواهد بود، اما این منافات ندارد که در برخی از نقاط، عدّه محدودی، به همان دین خود باقی بمانند و جزیه پرداخت کنند. راه دوم - دسته یکم از روایات را بر این معنی حمل کنیم که در زمان ظهور آن حضرت، هیچ کسی که عنوان شرک را داشته باشد، نخواهد بود. اما پیروان مذاهب دیگر، اگر بر مذهب واقعی خود، بخواهند می‌توانند باقی بمانند. البته می‌توان گفت، همان گونه که در زمان ظهور حضرت، قرآن بر، طبق آن چه که واقعاً بر پیامبر (ص) نازل گردیده، به مرحله، بروز و عمل می‌رسد، در آن زمان نیز کتب آسمانی دیگر، به صورت غیر محرّف، خواهد بود و تورات واقعی و انجیل واقعی عرضه خواهد شد. در برخی از روایات - آمده است (در کتاب عقدالدرر، باب سوم، ص ۴۰ و ۴۱) که حضرت مهدی را از آن رو «مهدی» می‌گویند که مردم را برای استخراج کتاب نورانی به کوه‌های شام هدایت می‌کند و با تورات واقعی بر یهود احتجاج می‌کند و جماعتی و یا کثیری از آنان، اسلام می‌آورند. بازگشت حضرت عیسی (ع) نیز می‌تواند دلیلی بر این ادعا باشد. راه سوم: - ممکن است روایاتی که می‌گوید: «اگر کسی اسلام نیاورد، گردن زده می‌شود» بر این معنا حمل شود که کسانی که به حقایق اسلام علم پیدا کنند، اما از روی عناد و لجاجت نپذیرند، دچار چنین عقوبتی شوند، بنابراین منافات ندارد که عدّه‌ای از یهود و نصاری که عناد و لجاجت ندارند، بر مسلک خود باقی بمانند. این‌ها، سه طریق برای جمع میان این دو دسته روایات است که بر فرض صحت سند هر دو، می‌توان به یکی از این‌ها ملتزم شد و لو اینکه در نهایت، نمی‌توان اذعان به عرفی بودن همه این طرق کرد. نکته دوم قبلاً گفتیم، حضرت، یک دین جدیدی که از نظر ماهیت و واقعیت، با

دین فعلی مختلف باشد، نخواهد آورد و همین دین که ما را به مسأله ظهور و آماده شدن برای ظهور ترغیب می‌کند، در آن زمان هم اساس اعتقادی مردم و دین آنان است، اما ممکن است برخی از احکامی که تاکنون بیان نشده، در آن زمان بیان شود. از برخی از تعبیر؛ مانند: «إِنَّ اللَّهَ سَكْتٌ عَنْ أَشْيَاءَ لَمْ يَسْكُتْ عَنْهَا نَسِيَانًا» [۱۶] شاید بتوان همین معنا را استفاده کرد. البته، این احتمال وجود دارد که مدلول این روایت، سکوت دائمی و همیشگی باشد؛ یعنی، خداوند ممکن است در هیچ زمانی آن‌ها را بیان نفرماید. از تتبع در مجموع روایات استفاده می‌کنیم که در زمان ظهور حضرت اولاً، نحوه اجرای برخی از احکام تغییر خواهد کرد. در برخی از روایات وارد شده است که هر کسی که گنجی دارد، از سوی آن حضرت، گنج او حرام می‌شود. امام صادق (ع) فرموده است: «بر شیعیان ما انفاق به معروف و به مقداری که مناسب است، مشروع شده است، اما هنگامی که قائم آل محمد (ص) ظهور فرماید، هر گنجی را بر صاحب آن حرام می‌کند تا اینکه صاحب آن، گنج را بیاورد و حضرت به وسیله آن، بر دشمنان خودش پیروز گردد. [۱۷]. نکته حایز اهمیت، آن است که در دنباله روایت، حضرت فرموده‌اند، این مطلب، معنای این آیه شریف است که خداوند فرموده: «الذین یکتزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم؛ [۱۸] کسانی که طلا- و نقره را گنجینه قرار می‌دهند و آن را در راه خدا خرج نمی‌کنند پس آنان را به عذاب دردناک مژده بخش». باید توجه داشت بر طبق چنین احادیثی می‌توان گفت، اساساً، بطون و تأویل اصلی برخی از آیات شریف در زمان ظهور حضرت روشن می‌شود و نمی‌توان گفت در زمان قبل از ظهور، کسانی که گنج دارند، مشمول این آیه شریف هستند، یعنی، نمی‌توان گفت، کسانی که در این زمان، زکات و انفاق خود را به طور صحیح انجام می‌دهند و دارای گنج نیز هستند، این گنج، بر آنان حرام است. بنابراین، تا زمان ظهور، انفاق به معروف لازم است و در زمان ظهور، به نحو دیگری خواهد بود. نمونه دیگر اینکه: در زمان ظهور، مانع الزکاة بر او حد جاری می‌گردد؛ [۱۹] یعنی، این عقوبت، اختصاص به آن زمان دارد و در زمان غیبت وجود ندارد. ثانیاً، برخی از احکام، در آن زمان، منسوخ می‌شوند. مثلاً- تقیه که در زمان ائمه معصوم: بوده است و در زمان غیبت نیز دوام دارد، بر طبق برخی از روایات، در زمان ظهور حضرت، مشروعیت خود را از دست می‌دهد و نه امام (ع) به تقیه عمل خواهند کرد و نه مردم. [۲۰] ظاهر روایات، اطلاق دارد؛ یعنی، هیچ کدام از اقسام تقیه از قبیل مداراتی، خوفی و کتمانی در آن زمان مشروعیت ندارد علت این امر، آن است که در آن زمان، احکام، به صورت واقعی ظهور خواهد داشت و لازم است احکام واقعی اجرا گردد و از طرفی مشروعیت تقیه، جهت حفظ عقائد صحیح و پیروان آن است. از مجموع تعبیری که در روایات در مورد کیفیت دین در عصر ظهور وارد شده، استفاده می‌کنیم که در آن زمان، دین، با همه ابعاد، به مرحله اجرا در خواهد آمد و سعادت بشری در پرتو آن، تحقق خواهد یافت و هیچ گونه محدودیتی در بیان و اجرای احکام وجود ندارد و هر آن چه به عنوان مانع تصور شود، از بین خواهد رفت.

پاورقی

- [۱] سوره آل عمران، آیه ۱۹.
- [۲] سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۱۲.
- [۳] بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶؛ الغیبة نعمانی، ۱۷۲.
- [۴] الغیبة نعمانی، ص ۲۳۱، باب ۱۳، ح ۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
- [۵] یعنی «جدیداً» صفت برای مفعول مطلق محذوف است؛ یعنی: یستأنف الاسلام استینافاً جدیداً.
- [۶] تهذیب ج ۶، ص ۱۵۴، باب ۷۰، ح ۱؛ بحار الأنوار ج ۵۲، ص ۳۸۱؛ اثبات الهداء ج ۶، ص ۳۷۷.
- [۷] بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹ از ارشاد مفید ج ۲، ص ۳۸۶، با کمی اختلاف.
- [۸] کافی ج ۸، ص ۳۹۶، بحار ج ۵۲، ص ۳۷۸.

- [۹] کافی ج ۱، ص ۲۵؛ بحار ج ۵۲، ص ۳۲۸ و با کمی اختلاف کمال الدین ج ۲، ص ۶۸۵.
- [۱۰] کمال الدین: ۳۷۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.
- [۱۱] ارشاد مفید، ص ۷۰۵، باب ۴۰، فصل ۵، ح ۷.
- [۱۲] سوره توبه، آیه ۳۳.
- [۱۳] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶؛ تأویل الآیات، ص ۶۶۳.
- [۱۴] بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۲ و ۳۴۴ و ۳۲۵ از کفایه الاثر، ص ۶۲.
- [۱۵] بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰؛ ج ۵۲، ص ۳۷۵ و ۳۷۶.
- [۱۶] من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷۵.
- [۱۷] تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۴۳.
- [۱۸] سوره توبه، آیه ۳۴.
- [۱۹] کافی ج ۳، ص ۵۰۳.
- [۲۰] بحار ج ۵۲، ص ۳۴۵؛ ج ۵۳، ص ۴۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

فانمیل

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

